

پیام پولس رسول به غیر یهودیان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۶ آیات ۹ تا ۱۵، باب ۹ آیات ۱ تا ۹؛ اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷؛ متی باب ۷ آیه ۱؛ اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۱، باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵.

آیه حفظی: «وقتی این را شنیدند قانع شدند و گفتند: خدا را شکر که همان لطفی را که در حق ما نمود در حق غیر یهودیان نیز انجام داد و به ایشان این امکان را داد تا دست از گناه کشیده بسوی او باز گردند و حیات جاودانی را بدست آورند» (اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۱۸).

درک شائول طرسوسی (که پس از تغییر کیش به پولس رسول معروف شد) و دلیل کاری که انجام داد، چندان دشوار نمی‌باشد. برای او به عنوان یک یهودی مؤمن متعصب که تمام عمر خود را وقف آموختن اهمیت احکام کرده و بر این باور بود که رستگاری سیاسی اسرائیل قریب الوقوع است، و تحمل اندیشهٔ انتظار طولانی مدت برای مسیح موعود که به طرز فجیعی مانند بدترین مجرم‌ها اعدام بشود، برایش بسیار دشوار بود. پس جای تعجب نیست که او قانع شد که پیروان عیسی نسبت به تورات ناسپاس بودند و از این رو، مانع نقشهٔ خدا برای اسرائیل می‌شدند. او بر این باور بود که ادعاهای ایشان که عیسای مصلوب، مسیح موعود بود و اینکه او از مرگ قیام کرده بود، ارتداد محسوب می‌شد. به دیده او نه چنین مُهل‌هایی قابل تحمل بود و نه گذشتهٔ مشمول کسی میشد که از این تفکرات دست برد ندارد. شائول مصمم شده بود تا برای خلاصی اسرائیل از این باورها نماینده خدا باشد. از این رو، او در نخستین صفحات کتاب مقدس به عنوان آزاردهنده یهودی تباران هم‌نوع خود، کسانی که معتقد بودند عیسی مسیح موعود است، نمایان می‌شود.

اگرچه خدا نقشه‌های بسیار متفاوتی برای شائول داشت، نقشه‌هایی که هرگز نمی‌توانست برای خود انتظار داشته باشد: نه تنها این فرد یهودی قرار بود عیسی را به عنوان مسیح موعود موعظه کند، بلکه باید این کار را در میان غیریهودیان نیز انجام می‌داد!

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ ژوئیه آماده شوید.

۲۵ ژوئن

یکشنبه

آزاردهنده مسیحیان

شائول طرسوسی نخستین بار در کتاب اعمال رسولان عنوان کسی که در سنگسار نمودن استیفان دخیل بود (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۸) و سپس در ارتباط با آزاری در سطح وسیع‌تر که در اورشلیم اتفاق افتاد ظاهر میشود (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱ تا ۵). پطرس، استیفان، فیلیپس و پولس نقش بسیار مهمی در کتاب اعمال رسولان ایفا نمودند زیرا آنان در رویدادهایی نقش داشتند که منجر به گسترش اعتقاد مسیحی به فرا تر از جهان یهودی شد. استیفان به ویژه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا موعظه‌ها و به شهادت رسیدن او چنین به نظر می‌رسد که تأثیر بسیار عمیقی بر شائول طرسوسی داشته است.

استیفان خود یک یهودی یونانی زبان و یکی از هفت شماس اولیه بود (اعمال رسولان باب ۶ آیات ۳ تا ۶). براساس کتاب اعمال رسولان، گروهی از یونانی‌زبانان که برای زندگی به اورشلیم آمده بودند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۹) با استیفان در مورد محتوای موعظه وی درباره عیسی به بحث و مشاجره پرداختند. شاید و یا به احتمال زیاد این امکان وجود دارد که شائول طرسوسی در این مناظرات نقش داشته است.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۹ تا ۱۵ را بخوانید. چه اتهاماتی به استیفان نسبت داده شد؟ این اتهامات شما را به یاد چه چیزهایی می‌اندازد؟ (متی باب ۲۶ آیات ۵۹ تا ۶۱ را نیز ببینید.)

خصومت شدید بر علیه موعظه‌های استیفان به نظر می‌رسد از دو بُعد متفاوت حاصل شده باشد. از یک سو استیفان خشم متخاصمان خود را بخاطر این بر افروخته بود که بر احکام یهودی و معبد تقدم و اهمیتی قائل نبود چرا که اینها مرکز ثقل یهودیت بشمار می‌آمدند و بعنوان نمادهای ارزشمند مذهبی و هویت ملی محسوب میشدند. اما استیفان کاری بیش از بی‌اهمیت جلوه دادن این دو نماد با ارزش انجام داد؛ او با شور و

حرارت اظهار داشت که عیسی، (مسیح مصلوب شده و از مرگ قیام کرده، کانون حقیقی و درست ایمان یهودی بود.

جای تعجبی نیست که چرا او باعث خشم شائول فریسی شد (فیلیپیان باب ۳ آیات ۳ تا ۶). شائول مشاهده نمود که وعده‌های بزرگ نبوی ملکوت خدا تا آن زمان تحقق نیافته بودند (دانیال باب ۲، زکریا باب ۸ آیه ۲۳، اشعیا باب‌های ۴۰ تا ۵۵) و او احتمالاً باور داشت که مسئولیت کمک به خدا برای نزدیک نمودن آن روز برعهده وی بود - چیزی که می‌توانست با پاک نمودن اسرائیل از فساد دینی از جمله اندیشه مسیح موعود بودن عیسی، انجام بشود.

شائول که اعتقاد داشت حق با اوست، قصد داشت کسانی را که فکر می‌کرد کار نادرست انجام می‌دهند، به قتل برساند. در حالی که ما برای باورمان به تعصب و شور نیاز داریم، چگونه می‌آموزیم که تعصب خود را کاهش دهیم با درک این که ممکن است اشتباه کنیم؟

۲۶ ژوئن

دوشنبه

تحول و تغییر کیش شائول

«گفت: خداوندا تو کیستی؟ خداوند گفت: من آن عیسی هستم که تو بدو جفا می‌کنی» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۵).

اگرچه جفای شائول نسبت به کلیسای اولیه نسبتاً بطور غیرمحسوس آغاز می‌شود (زیرا او تنها ردهای شکنجه دهندگان استیفان را نگه می‌دارد)، اما به سرعت تشدید می‌شود (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱ تا ۳؛ باب ۹ آیات ۱، ۲، ۱۳، ۱۴، ۲۱؛ باب ۲۲ آیات ۳ تا ۵ را ببینید). لوقا از بسیاری از این واژگان برای توصیف شائول و بوجود آوردن تصویر یک جانور وحشی و یا یک سرباز غارتگر که برای تخریب مخالفانش عزم دارد، استفاده نمود. برای مثال، واژه ترجمه شده «تخریب» در اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳، در ترجمه یونانی عهد قدیم (مزامیر باب ۸۰ آیه ۱۳) برای توصیف رفتار مخرب و غیرقابل کنترل یک گراز وحشی به کار برده شده است. جنگ مذهبی شائول بر علیه مسیحیان از روی دو دلی و بیعلاقگی نبود؛ بلکه نقشه‌ای حساب شده و پایدار برای نابودی ایمان مسیحی بود.

در باره تحول و تغییر کیش شائول سه شرح در آیه های زیر داده شده است (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ تا ۱۸، باب ۲۲ آیات ۶ تا ۲۱ و باب ۲۶ آیات ۱۲ تا ۱۹).

فیض خدا چه نقشی در این تجربه داشت؟ به عبارت دیگر، آیا شائول شایسته آن خیریتی بود که خداوند نسبت به او روا داشت؟

از دیدگاه بشری، تحول و تغییر کیش شائول غیرممکن به نظر می‌رسید (از این رو بسیاری از مردم وقتی برای اولین بار شنیدند دچار شک و تردید شدند). تنها چیزی که شائول استحقاقش را داشت، مجازات بود اما خدا در عوض به این یهودی سر سخت و متعصب، فیض بخشید. اگرچه اهمیت دارد به این نکته توجه کنیم که ایمان آوردن شائول نه به خودی خود اتفاق افتاد و نه اینکه تحمیلی بود. شائول ملحد نبود. او مردی مذهبی بود، اما به شدت در درک خدا دچار اشتباه بود. سخنان عیسی به شائول، «(اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴)، نشان می‌دهند که شائول را سرزنش می‌کرد. در جهان کهن، «مهمیز یا نشتر» چوب یا میله‌ای نوک‌تیز بود که برای بدر آوردن و بحرکت در آوردن گاوها استفاده میشد خصوصاً هنگامی که از شخم زدن سرباز می‌زدند. شاول برای مدتی در برابر تلنگرها یا مهمیزهای خدا مقاومت کرده بود، اما در نهایت در مسیرش به دمشق، به واسطه دیداری معجزه‌آسا با عیسی قیام کرده، تصمیم گرفت دیگر مبارزه نکند.

به تجربه تحول یا تغییر کیش خود بیندیشید. شاید به میزان تجربه شائول چشمگیر و پر ماجرا نبوده باشد (که اکثراً چنین نیست)، اما شما به چه روش‌های مشابهی فیض خدا را دریافت کردید؟ چرا اهمیت دارد که باید آنچه را که مسیح به ما عطا نموده فراموش نکنیم؟

۲۷ ژوئن

سه شنبه

شائول در دمشق

شائول در حین مواجهه با عیسی، بینایی خود را از دست داد و سپس به او فرمان داده شد که به خانه فردی به نام یهودا برود و در آنجا منتظر مرد دیگری به نام حنایا بماند. بدون شک نابینایی جسمی شائول، تذکری قدرتمند از نابینایی روحانی بزرگ‌تری بود که او را به آزار و جفای پیروان عیسی واداشته بود.

ظاهر شدن عیسی بر او در راه دمشق، همه چیز را تغییر داد. هنگامی که شائول فکر می‌کرد که کاملاً حق با اوست، ولی دریافت که به طور کامل در اشتباه بود. او به جای کارکردن برای خدا، بر علیه او کار می‌کرد. شائول به عنوان فردی متفاوت از یک فریسی مغرور و متعصب که اورشلیم را ترک نموده بود، وارد دمشق شد. شائول در عوض خوردن و

نوشتن، سه روز نخست خود را در دمشق صرف دعا و روزه نمود که بازتاب دهنده تغییر و تحول درونی او بواسطه آن وقایع بود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. تصور کنید در ذهن حنایا چه می‌گذشت: آن شائول جفا دهنده حال به عیسی اعتقاد پیدا کرده بود. نام او اکنون به پولس تغییر یافته بود، رسول برگزیده خدا که باید مژده انجیل را به جهان غیریهود نیز برساند (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۶ تا ۱۸ را ببینید).

جای تعجب نیست که حنایا کمی سردرگم شده بود. اگر کلیسای اورشلیم بخواهد در پذیرفتن پولس سه سال پس از ایمان آوردن او تردید نماید، (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰)، می‌توان تصور نمود که چه پرسش‌هایی قلب ایمانداران در دمشق را تنها پس از سه روز از این اتفاق مضطرب کرده باشد!

همچنین توجه کنید که حنایا توسط خداوند رویایی دریافت نموده بود که خبری تعجب‌آور و غیرمنتظره در مورد شائول طرسوسی بود؛ شاید چیزی کمتر از یک رؤیا نمی‌توانست او را قانع کند که آنچه درباره شائول به او گفته شده بود، درست باشد - اینکه دشمن ایمانداران یهودی تبار اینک عضوی از آنها شده بود.

شائول از سوی کاهنان اعظم اختیار تام و مأموریت یافته بود تا اورشلیم را برای خشکاندن ریشه اعتقادات مسیحی ترک نماید (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۲)؛ با این وجود خدا، مأموریتی کاملاً متفاوت برای شائول داشت، آنچه که از اقتدار بسیار بزرگ‌تری برخوردار بود. شائول باید مژده انجیل را به جهان غیریهودی می‌رساند، چیزی که احتمالاً برای حنایا و سایر ایمانداران یهودی از ایمان آوردن شائول نیز تکان‌دهنده‌تر بود.

درحالی‌که شائول به دنبال جلوگیری از گسترش اعتقادات مسیحی بود، اکنون خدا از او برای گسترش این باور، فراتر از آنچه که ایمانداران یهودی هرگز تصورش را نمی‌کردند، استفاده خواهد نمود.

اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷، متی باب ۷ آیه ۱ و اول قرنطیان باب ۴ آیه ۵ را بخوانید. پیام این سه آیه در مورد اینکه چرا ما باید در چگونگی ملاحظه و برخورد با تجربه روحانی دیگران مراقب باشیم، چیست؟ شما در قضاوت خود نسبت به دیگران چه اشتباهاتی انجام داده‌اید و از آن اشتباهات چه چیزی آموخته‌اید؟

۲۸ ژوئن

چهارشنبه

مژده انجیل به نزد غیریهودیان می‌رود

نخستین کلیسای غیریهودی در کجا بنا شد؟ چه رویدادهایی باعث شد که ایمانداران

به آنجا بروند؟ (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۱ و ۲۶). این مطلب چه چیزی در مورد زمان عهد قدیم به شما یادآوری می‌کند؟ (دانیال باب ۲ را ببینید).

خبرآزار و جفایی که پس از مرگ استیفان در اورشلیم شیوع یافت، باعث شد که تعداد زیادی از ایمانداران یهودی به انطاکیه بگریزند که حدود ۵۰۰ کیلومتر از شمال اورشلیم فاصله داشت. انطاکیه عنوان پایتخت استان رومی سوریه، نسبت به روم و اسکندریه در درجه دوم اهمیت قرار داشت. جمعیت آن که حدود پانصد هزار نفر تخمین زده شده بود، متشکل از نژادهای مختلفی بود که آن مکان را به جایی مناسب نه تنها برای کلیسا با تعداد کثیری از هم یهویان و هم غیر یهودیان، بلکه به عنوان آغاز پایگاهی برای مأموریت جهانی کلیسای اولیه تبدیل می‌نمود.

چه چیزی در انطاکیه رخ داد که باعث دیدار بارناباس از شهر و متعاقب آن تصمیم او به دعوت پولس برای پیوستن به وی در آنجا شد؟ چنان تصویری از کلیسای آنجا ارائه شده است؟ (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۲۰ تا ۲۶).

ایجاد یک گاه‌شمار از زندگی پولس دشوار است، اما به نظر می‌رسد که حدود پنج سال فاصله میان دیدارش از اورشلیم پس از ایمان آوردن (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰) و دعوت بارناباس از وی برای رفتن به انطاکیه وجود دارد. پولس در این سال‌ها چه کاری انجام می‌داد؟ نمی‌توان با اطمینان در این باره چیزی گفت. اما براساس سخنانش در غلاطیان باب ۱ آیه ۲۱، او احتمالاً در سرزمین‌های سوریه و قیلیقیه مژده انجیل را موعظه می‌کرد. برخی گفته‌اند که احتمالاً در طول این مدت بوده است که توسط خانواده‌اش از ارث محروم شده بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۸) و از سختی‌هایی که او در دوم قرن‌تین باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۲۸ توصیف نموده است، رنج کشید. کلیسای انطاکیه تحت هدایت روح‌القدس شکوفا شد. مطلب شرح داده شده در اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۱ حاکی است که ماهیت چندنژادی شهر خیلی زود در تنوع قومی و فرهنگی کلیسا تأثیر گذاشت. (بارناباس اهل قبرس بود، لوکیوس از قیروان، پولس از سیسیلی و شمعون احتمالاً از آفریقا بود و در نظر بگیرید که همه تغییر کیش دادگان غیر یهودی نیز چنین بودند) روح اینک به دنبال آن بود که مژده انجیل را به غیر یهودیان بیشتری برساند و از انطاکیه به عنوان پایگاهی برای فعالیت‌های بشارتی بیشتر، فراتر از سوریه و یهودا، بهره برد.

اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۹۱ تا ۶۲ را بار دیگر بخوانید. از کلیسای انطاکیه، کلیسایی با تنوع نژادی و فرهنگی فراوان، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم که می‌تواند به کلیساهای امروزی در تقلید از خوبی که در آن وجود داشت، کمک کند؟

اختلاف در درون کلیسا

به طور حتم بشر بی عیب نیست و طولی نکشید که در میان اجتماع ایمانداران نخستین مشکل به وجود آمد.

برای کسانی که تازه کلیسا را تاسیس کرده بودند، همه از ورود ایمانداران غیریهودی به کلیسای اولیه خوشنود نبودند. اختلاف بر سر مفهوم مأموریت غیریهودی نبود، بلکه بر سر اصل اجازه پیوستن غیریهودیان بود. برخی بر این باور بودند که ایمان تنها به عیسی به عنوان نشانه تعیین کننده مسیحیت، کافی نبود؛ آنها چنین استدلال می کردند که ایمان باید با ختنه و اطاعت از شریعت موسی تکمیل بشود. آنها ادعا می کردند که غیریهودیان برای اینکه یک مسیحی واقعی باشند، می بایست ختنه بشوند. (ما می توانیم در اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۱ تا باب ۱۱ آیه ۱۸، از تجربه پطرس با کرنلیوس و عکس العملی که پس از آن به وجود آمد، میزان تفرقه میان یهودیان و غیر یهودیان را مشاهده کنیم).

دیدارهای رسمی از اورشلیم که اعمال فیلیپ را در میان سامریان (اعمال رسولان ۸: ۱۴) و کار با غیر یهودیان در انطاکیه (اعمال ۱۱: ۲۲) را نظارت میکرد میتواند بیانگر این نگرانی باشد که غیر یهودیان به اجتماع مسیحیان ورود پیدا کرده اند. با این وجود واکنش به تعمد کرنلیوس توسط پطرس که سرباز رومی نا مختون بود نمونه ای بارز از اختلاف و ناسازگاری موجود بخاطر حضور غیریهودیان در میان ایمانداران اولیه بود. ورود گاه و بیگاه غیر یهودیان از قبیل کرنلیوس ممکن است باعث احساس ناراحتی برخی شده باشد ولی تلاش عمدی پولس برای گشودن دربهای عریض کلیسا بروی غیر یهودیان بر اساس محض ایمان به عیسی، منتج به تلاشهای عامدانه برخی بمنظور تحلیل و فرسایش فعالیتهای بشارتی پولس گردید.

چگونه برخی از ایمانداران اهل یهودیه در خنثی نمودن کار پولس برای مسیحیان غیریهودی در انطاکیه تلاش نمودند؟ اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵.

اگرچه شورای اورشلیم، در باب ۱۵ اعمال رسولان در نهایت در باره موضوع ختنه کردن از پولس طرفداری نمود، ولی مخالفت با بشارتهای پولس همچنان ادامه داشت. حدود هفت سال بعد، در طی دیدار نهایی پولس از اورشلیم، بسیاری همچنان نسبت به مزده انجیل پولس تردید داشتند. در واقع، هنگامی که پولس از معبد بازدید نمود، تقریباً جان خود را از دست داد وقتی که یهودیان اهل آسیا «فریاد برآوردند که «ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است آن کس که بر خلاف اُمّت و شریعت و این مکان در هر جا همه را تعلیم می دهد» (اعمال رسولان باب ۱۲ آیه ۲۸؛ باب ۲۱ آیات ۲۰ و ۲۱ را نیز ببینید).

خود را به جای این ایمانداران یهودی که در مورد تعالیم پولس نگران بودند بگذارید. چرا نگرانی و مخالفت آنها به نوعی منطقی بنظر میرسد؟ ما از این مطلب درباره اینکه چگونه نظرات از پیش تعیین شده مان و همچنین مفاهیم فرهنگی (و حتی مذهبی) می توانند ما را به گمراهی سوق دهند، چه چیزی باید بیاموزیم؟ چگونه می توانیم بیاموزیم که خود را از انجام چنین اشتباهاتی، گذشته از نیت خوهمان، محافظت کنیم؟

۳۰ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر: تفکری فراتر: برای یافتن ارتباط بین تحول شخصی و کلیسا فصل استقلال فردی صفحات ۴۳۰ تا ۴۳۴ از کتاب شهادتهایی برای کلیسا جلد سوم را بخوانید. برای یک نقشه کمکی از زندگی ابتدایی پولس و تفسیری بر تحول او کتاب مقدس تفسیری ادونتیستهای روز هفتم جلد ششم صفحات ۲۲۶ تا ۲۳۴ را بخوانید.

« پولس قبلاً به عنوان مدافع غیور دین یهود و آزاردهنده خستگی ناپذیر پیروان عیسی شناخته میشد. او که شجاع، مستقل و استوار بود، استعدادها و تعلیماتش می توانست او را قادر سازد تا تقریباً در هر ظرفیتی خدمت کند. و او می توانست با وضوح فوق العاده ای استدلال نماید و با طعنه تحقیر کننده ای معاضدین خود را در گوشه ای قرار دهد که جایی برای فرار نداشته باشند. و اینک یهودیان این مرد جوان را با وعده ای غیر معمولی دیدند که با کسانی که پیش از آن به آنها جفا می کرده است، متحد شده و بدون هیچ هراسی به نام عیسی موعظه می کند.

«کشته شدن یک فرمانده برای ارتش او، فقدان و خسارت محسوب میشود اما مرگ او هیچ قدرت اضافی به دشمن نمی دهد. اما وقتی که مردی با نیروی زیاد به ارتش مخالف می پیوندد نه تنها خدماتش از دست می روند بلکه به گروهی که پیوسته است سود فراوان می رساند. شائول طرسوسی در مسیرش به دمشق ممکن است توسط خداوند کشته می شد و نیرویی قدرتمند از شکنجه دهندگان کم می شد. اما خدا در آینده نگری اش نه تنها زندگی شائول را حفظ نمود بلکه باعث ایمان آوردن او شد، و در نتیجه قهرمانی را از جانب دشمن به جانب مسیح آورد. پولس، یک سخنران فصیح و منتقدی سختگیر، با هدف محکم و شهادت بی باکانه اش، از صلاحیت های لازم برای کلیسای اولیه برخوردار بود.» - الن جی. وایت، اعمال رسولان صفحه ۱۲۴ .

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 124

سوالاتی برای بحث

۱. ما از این حقیقت که بعضی از مخالفان سرسخت پولس، یهودیانی بودند که به عیسی ایمان داشتند، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟
۲. شما چگونه می‌توانید برای اصول مذهبی ایستادگی کنید و در عین حال، مطمئن باشید که بر علیه خدا مبارزه نمی‌کنید؟

خلاصه: رویارویی شائول با عیسی از مرگ قیام کرده در مسیر دمشق، لحظه تعیین کننده‌ای در زندگی وی و تاریخ کلیسای اولیه بود. خدا کسی را که زمانی آزار دهنده کلیسا بود متحول ساخت و او را به عنوان رسول برگزیده خود انتخاب نمود تا مژده انجیل را به جهان غیر یهود برساند. اگر چه آوردن غیر یهودیان به کلیسا تنها با ایمان به مسیح توسط پولس، برای بعضی‌ها در درون کلیسا مفهومی دشوار برای درک بود ولی مثالی قدرتمند بود از اینکه چگونه غرور و تعصب می‌تواند مانع مأموریت ما بشود.